

دکتر فرد پاتنم، مزامیر، سخنرانی ۱

فرد پاتنم و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

سلام، به کتابخانه ما خوش آمدید. من فرد پاتنم هستم. خوشحالم که در این دوره آموزشی درباره کتاب مزامیر در کنار شما هستم.

من بیش از ۲۰ سال است که زبان عبری و عهد عتیق تدریس می‌کنم و مشتاقانه منتظرم که این چند ساعت را با شما بگذرانم. وقتی در مورد کتاب مزامیر صحبت می‌کنیم، واقعاً در مورد چه چیزی بحث می‌کنیم؟ خب، نام‌های مختلفی دارد. ما آن را شاید به عنوان «مزامیر» می‌شناسیم، که در واقع از عنوان یونانی آن، از ترجمه هفتادگانی، ترجمه‌ای که حدود ۲۵۰ سال قبل از میلاد انجام شده است، گرفته شده است.

اما عنوان دیگری در زبان عبری وجود دارد، تهیلیم، که به معنای ستایش است. و بنابراین هر دوی این‌ها مزامیر یا مزامیریون، که به معنای اشعاری است که با موسیقی مزامیر یا نوعی چنگ کوچک خوانده می‌شوند، همان چیزی است که یونانیان آن را تفسیر می‌کردند. و ستایش‌ها همان چیزی است که خاخام‌ها در مورد آن فکر می‌کردند.

و این دو عنوان، تصویری تقریبی از آنچه داریم به ما می‌دهند. حدود صد و پنجاه شعر در طول چند صد سال سروده شده‌اند و از انواع مختلف شعر تشکیل شده‌اند. می‌گوییم حدود صد و پنجاه چون به نظر برخی، برخی از اشعار مانند مزامیر ۹ و ۱۰ یا مزامیر ۴۲ و ۴۳ واقعاً به هم تعلق دارند.

آنها در واقع یک شعر واحد هستند. آنها مزامیر جداگانه‌ای نیستند. و اگر به ترجمه‌های دیگر مانند ولگاته لاتین یا سپتواجینت یونانی نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که آنها نیز مزامیر را به طور متفاوتی تقسیم‌بندی کرده‌اند.

بنابراین، مهم است که وقتی به یک تفسیر نگاه می‌کنید یا در وب گشت و گذار می‌کنید، بدانید که آیا کسی در مورد ولگاته صحبت می‌کند یا خیر. به عنوان مثال، اگر در حال خواندن دایره المعارف کاتولیک هستید شماره مزامیر ممکن است متفاوت باشد. بنابراین آنها در مورد یک آیه صحبت می‌کنند و شما فکر می‌کنید که این چیزی نیست که این می‌گوید.

و حق با شماست. اگر به کتاب مقدس پروتستان نگاه می‌کنید، آیه‌ای که به آن نگاه می‌کنید، مهم نیست چه می‌گوید. بنابراین، مراقب منابع خود و نحوه تفکر آنها در مورد مزامیر باشید.

جنبه‌ی دیگر آن، فقط از نظر منابع، این است که در متن عبری، عنوان، حالا این عنوانی نیست که برخی ترجمه‌ها مانند دعایی برای کمک و ستایش برای پاسخ آن یا چیزی شبیه به آن ارائه می‌دهند. اما عنوانی که می‌گوید مزمور داوود یا پسران قورح یا چیزی شبیه به آن، که در اکثر ترجمه‌های انگلیسی وجود دارد، در واقع آیه‌ی اول است. و بنابراین، تمام شماره‌های آیات از شماره‌گذاری انگلیسی آنها یکتا هستند.

بنابراین، اگر به یک تفسیر یا مرجع دیگر نگاه می‌کنید، مهم است بدانید که آیا آنها در مورد آیات انگلیسی صحبت می‌کنند یا آیات عبری؟ زیرا در غیر این صورت، همانطور که می‌توانید تصور کنید، می‌تواند بسیار ناامیدکننده باشد. حال، در این اشعار چه داریم؟ خب، اگرچه ممکن است مزامیر را به عنوان یک کتاب سرود یا کتاب دعا در نظر بگیریم، در واقع فقط حدود ۹۰ مورد از ۱۵۰ مورد دعا خطاب به خداست. ۶۰ مورد دیگر دعاهایی در مورد خداوند هستند، اما واقعاً او را خطاب قرار نمی‌دهند.

یا گاهی اوقات حدود پنج یا شش آیه وجود دارد که ده آیه اول درباره خدا است و سپس آیه آخر می‌گوید، و تو خداوند عمل دست‌های ما را تأیید خواهی کرد یا چیزی شبیه به این. اما حدود ۶۰٪ از مزامیر از دعا تشکیل شده است و ۴۰٪ دیگر تأملات یا مراقبه‌ها یا توصیه‌هایی برای ستایش خداوند و پرستش او هستند، اما در واقع دعا به این معنا که خطاب به او باشند، نیستند. سه نوع کلی وجود دارد

کمی بعدتر با جزئیات بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد. اما مزامیرهایی وجود دارند که می‌توانیم آنها را شاد بنامیم، مزامیر پرستش و ستایش، مانند مزمور ۲۹، به خداوند نسبت دهید، ای فرزندان قدرتمندان به خداوند نسبت دهید، جلال و قدرت را به خداوند نسبت دهید، جلالی شایسته نام او. این یک مزمور ستایش است.

یا مزمور ۹۳ یا ۹۶ یا ۹۸، که در واقع همان چیزی است که شادی برای جهان بر آن استوار است. یا مزمور که شاید شما آن را در کلیسا به عنوان یک صدم قدیمی خوانده باشید، همه مردمی که روی زمین، ۱۰۰ ساکن هستند با صدای شاد برای خداوند آواز می‌خوانند. حدود، اوه، احتمالاً کمی بیش از یک سوم مزامیر اینگونه هستند.

سپس دسته‌ای از مزامیر وجود دارد که می‌توانیم آنها را نوعی اشعار غم‌انگیز بدانیم. این غم‌انگیز بودن به این معنا است که آنها با مزمورنویسی شروع می‌شوند که در مشکلات زیادی قرار دارد و از خدا می‌خواهد که او را نجات دهد، چه از دشمنان یا بیماری یا هر نوع مشکل دیگری. به عنوان مثال، مزمور ۱۰ می‌گوید، چرا دور ایستاده‌ای؟ چرا در مواقع سختی خود را پنهان می‌کنی؟ شیران با غرور، ستم‌دیدگان را تعقیب می‌کنند.

بگذار در توطئه‌هایشان گرفتار شوند. و بنابراین، مزمورنویس می‌گوید، پروردگارا، من در مشکل هستم، کمکم کن. و سپس او درخواست می‌کند، می‌دهد، معمولاً کمی با خداوند بحث می‌کند، می‌گوید، به همین دلیل است که باید به من کمک کنی.

و در پایان، او می‌آید و می‌گوید، از تو به خاطر این لطفت سپاسگزارم، و نذرهایی را که کرده‌ام ادا خواهم کرد و به خوبی تو شهادت خواهم داد. و احتمالاً یک سوم مزامیر اینگونه است. حدود ۵۰ تا ۵۵ مزامیر، از این اشعار را می‌توان اشعار غمگین یا دعاگونه دانست.

سپس گروه نسبتاً بزرگی دیگر وجود دارند که نه خوشحال هستند و نه غمگین، بلکه فقط کسانی هستند که به چیزی فکر می‌کنند. بنابراین، برای مثال، مزمور ۱، که مزمور بسیار آشنایی است، واقعاً مردم را به پرستش فرا نمی‌خواند. این یک درخواست کمک نیست.

این درباره خداوند است. خطاب به او نیست. و در عوض، به نظر می‌رسد شاعری است که در مورد رابطه بین نیکوکار و بدکار و آنچه بین آنها تفاوت ایجاد می‌کند، تأمل می‌کند.

و بنابراین، او شعری می‌نویسد تا آن ایده را بررسی کند. و شعرهای زیادی از این دست وجود دارد. مزمور ۲ نیز تقریباً همین‌طور است.

مزمور ۱۹، شعری بسیار معروف درباره کلام خدا. یا مزمور ۱۱۹ نیز همین‌طور است. مزمور ۱۲۱ که کمی بعد به آن خواهیم پرداخت.

بنابراین، ما نوعی از این موارد تأملی یا مراقبه‌ای یا آموزشی را داریم، شاید بخواهیم آنها را به این شکل در نظر بگیریم. حال، وقتی به مزامیر نگاه می‌کنیم، فکر می‌کنم در فرهنگ ما بسیار وسوسه‌انگیز است که به تقسیم‌بندی‌های فصل‌ها، یعنی خود مزامیر، به عنوان واحدهای مستقل و مستقل نگاه کنیم. اما وقتی به کل

مزامیر نگاه می‌کنیم و به عناوین مزامیر که یک دقیقه پیش به آنها اشاره کردم، نگاه می‌کنیم، وقتی به انواع مزامیر موجود نگاه می‌کنیم، شروع به دیدن الگوهایی می‌کنیم که نشان می‌دهد مزامیر در واقع به عنوان یک کتاب در نظر گرفته شده و به عنوان یک کتاب نوشته شده است.

این فقط ۱۵۰ شعر نبود که کسی پیدا کرده و به هم چسبانده باشد و گفته باشد، بسیار خوب، ما این‌ها را نگاه می‌داریم و در مزامیر خود می‌نویسیم. اکنون، به طور سنتی، مزامیر به پنج کتاب تقسیم می‌شود. مزامیر ۱ تا ۴۱، مزامیر ۴۲ تا ۷۲، ۷۳ تا ۸۹، ۹۰ تا ۱۰۶ و ۱۰۷ تا ۱۵۰.

و تقریباً هر ترجمه‌ای که به آن نگاه کنید، مثلاً در مزمور ۴۳، می‌گوید کتاب دوم. این چیزی است که آنها به آن اشاره می‌کنند. این تقسیم‌بندی‌ها به عقب برمی‌گردند، ما نمی‌دانیم چقدر به عقب، اما خاتمه‌ها در زمان مسیح، حتی قبل از زمان مسیح، به آنها اشاره کرده‌اند.

بنابراین اینها تقسیم‌بندی‌های بسیار قدیمی هستند. و وقتی به این تقسیم‌بندی‌ها نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که خود آنها تصادفی نیستند. بنابراین، برای مثال، در کتاب اول از ۴۱ مزمور، ۳۸ مزمور، همانطور که عنوان می‌گوید، به داوود نسبت داده شده است.

حالا، اجازه دهید کمی به عقب برگردم و در مورد آن کلمه نسبت داده شده صحبت کنم. در بسیاری از ترجمه‌ها، عبارت «مزمور داوود»، «مزمور پسران قورح»، یا «ایتان» یا «سلیمان» یا شخص دیگری، یا دعای موسی «را خواهید دید. ما واقعاً نمی‌دانیم که آیا در ابتدا به معنای «نوشته شده توسط» (در نظر گرفته شده است، به این معنا که می‌توانیم بگوییم تی. اس. الیوت «سرزمین بایر» را نوشت، یا اینکه به معنای «به سبک داوود» یا «تقدیم شده به داوود» یا «سفارش داده شده توسط داوود» یا «تألیف شده توسط او» است.

حرف اضافه‌ای که در زبان عبری آنجا استفاده شده، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، این حرف اضافه تاکنون رایج‌ترین حرف اضافه در کتاب مقدس بوده است، و می‌تواند به روش‌های بسیار بسیار مختلفی را در یک فرهنگ لغت انگلیسی جستجو to استفاده شود. درست مثل اینکه اگر فرصتی پیدا کنید تا کلمه کنید، به خصوص اگر آن را در چیزی مانند فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد جستجو کنید، مدخل آن به می‌تواند معانی بسیار زیادی در انگلیسی داشته باشد to صفحات و صفحات و صفحات می‌رسد زیرا کلمه حالا ما بدون فکر کردن به همه آن احتمالات از آن استفاده می‌کنیم.

ما فقط صحبت می‌کنیم و به آن زبان صحبت می‌کنیم. به همین ترتیب، حرف اضافه‌ای که به عنوان مزمور داوود ترجمه می‌شود، یعنی «از»، این حرف اضافه‌ای است که معمولاً در حرف اضافه عبری که معمولاً در کتاب مقدس انگلیسی ما به یا برای ترجمه می‌شود، به «یا» برای «ترجمه می‌شود. اما برای اینکه بفهمیم این به چه معناست، «مزمور به داوود»، «مزمور برای داوود»، «توسط» یا هر چیز دیگری، و با توجه به سنت، سنت قدیمی، که این حرف اضافه در واقع برای نشان دادن نویسنده استفاده می‌شود، می‌توانیم به عناوین این مزمورها نگاه کنیم و ایده‌ای در مورد نحوه تنظیم کتاب به دست آوریم.

زیرا تقریباً قطعی است که توسط نویسندگان اصلی تنظیم نشده است، زیرا برخی از مزامیر مربوط به زمان سلطنت متحد داوود و سلیمان و برخی دیگر مربوط به پس از تبعید صدها سال بعد است. بنابراین این کتاب باید به تدریج و در طول یک دوره زمانی گردآوری شده باشد. در واقع، ما سرنخ بسیار محکمی برای این موضوع داریم.

در پایان مزمور ۷۲، آیه ۲۰، آمده است که دعا‌های داوود، پسر یسی، به پایان رسیده است، که به نظر می‌رسد نشان می‌دهد که آنها فکر می‌کردند همه آنها را به دست آورده‌اند. اگرچه در واقع، بعداً تعداد زیادی

مزامیر ظاهر می‌شوند که می‌گویند مزمور داوود است. بنابراین، نشان می‌دهد که روند جمع‌آوری آن احتمالاً در مدت زمان نسبتاً طولانی انجام شده است.

حتی طومارهای دریای مرده به ما کمک می‌کنند تا این را ببینیم، زیرا به نسخه‌های خطی کتاب مزامیر نگاه می‌کنیم و برخی از نسخه‌های خطی، مزامیر را به همان ترتیب دارند. خوب، اول از همه، هیچ نسخه خطی وجود ندارد که کل مزامیر را داشته باشد. این قطعات کوچکی هستند که می‌توانیم پیدا کنیم.

اما در جایی که می‌توانیم تشخیص دهیم کدام مزامیر هستند و کدام آیات از کدام مزامیر هستند، متوجه می‌شویم که ترتیب آنها گاهی اوقات با مزامیر موجود یکسان است و گاهی اوقات با آن یکی نیست. به طور کلی، هرچه نسخه‌های خطی در مزامیر اولیه‌تر باشند، یعنی مثلاً مزامیر ۱ تا ۷۲، به ویژه دو کتاب اول، ترتیب آنها منسجم‌تر است. هرچه به مزامیر بعدی می‌رسیم، ترتیب آنها متفاوت است.

البته، باید بگوییم که ما واقعاً نمی‌دانیم که آنها طومارهای مزامیر بوده‌اند. ما نمی‌توانیم این را بدانیم مگر اینکه یک طومار کامل پیدا کنیم. مثلاً ممکن است آنها فقط یک کتاب سرود مذهبی بوده باشند، بنابراین نامشروع است که در هر یک از کلیساهایمان یک کتاب سرود مذهبی برداریم و بگوییم، او، اینها همه سرودهای مسیحی قرن بیستم هستند.

البته که نه. کسی آنها را بررسی کرده، انتخاب کرده، ترتیب قرارگیری آنها، نحوه چیدمان و غیره را انتخاب کرده است. اما این یک انتخاب است.

شاید این طومارها، حتی از غارهای دریای مرده، نمایانگر همین باشند. خیلی مبهم است. می‌دانم که احتمالاً به نظر می‌رسد این نوعی روش محققان برای متعهد نشدن به هیچ چیز باشد.

اما راستش را بخواهید، ترجیح می‌دهم محتاط باشم تا اینکه از کوره در بروم و بگویم، قضیه همین است، چون واقعاً نمی‌دانیم که کارکرد آن طومارها همین بوده است. خوب، وقتی به کتاب‌ها، به این پنج کتاب مزامیر، نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که از ۷۲ مزمور اول، ۵۵ مزمور به داوود نسبت داده شده است. آنها این را در مورد داوود یا به داوود یا برای داوود یا هر چیز دیگری می‌گویند.

اما در دو کتاب بعدی، مزامیر ۷۳ تا ۱۰۶، فقط سه مزمور به داوود نسبت داده شده است. و در کتاب آخر، مزامیر ۱۰۷ تا ۱۵۰، گروهی از سه مزمور، مزامیر ۱۰۸ تا ۱۱۰ وجود دارد. و سپس در پایان کتاب مزامیر ۱۳۷ تا ۱۴۵ نیز به داوود نسبت داده شده‌اند.

بنابراین، دو مجموعه کوچک از مزامیر داوود در کتاب آخر وجود دارد. اما اساساً، مزامیر داوود، ۵۵ مزمور از ۷۳ مزمور منسوب به داوود، در دو کتاب اول یافت می‌شوند، که نشان می‌دهد آن دو مزمور، و از آنجایی که با عبارت «دعاهای داوود پسر یسا در پایان مزمور ۷۲ به پایان رسیده‌اند»، به پایان می‌رسند، نشان می‌دهد که آن مجموعه، خود مجموعه‌ای جداگانه بوده است. و سپس مزامیر دیگر مدتی بعد جمع‌آوری شده‌اند.

از سوی دیگر، به کتاب‌های دوم و سوم نگاه می‌کنیم و بین مزامیر ۴۳ و ۸۹، ۱۳ مزامیر توسط پسران قورح یکی از رهبران گروه کر که در کتاب تواریخ کلیسا درباره‌اش می‌خوانیم، نوشته شده‌اند. باز هم، آنها مجموعه‌های کوچکی هستند، همه آنها پشت سر هم می‌آیند، یا شاید یک مزمور در وسط وجود داشته باشد که آنها را قطع می‌کند. اما به طور معمول، گروهی از مزامیر وجود دارد و همه آنها با پسران قورح پسران قورح، پسران قورح شروع می‌شوند، که نشان می‌دهد کسی نشسته و تصمیم گرفته است که این مزامیر به دلیل این عنوان به هم تعلق دارند.

سپس همین موضوع را در کتاب سوم می‌یابیم. بخش بزرگ دیگر این است که آنها توسط آساف، مزامیر آساف، نوشته شده‌اند. بنابراین در واقع، در آن کتاب سوم، پسران قورح و آساف ۱۵ تا از ۱۷ مزمور را نوشته‌اند.

در حالی که داوود فقط یک مزمور نوشت، در حالی که بخش عمده‌ای از دو کتاب اول را او نوشت. و همچنین متوجه می‌شویم که شکل مزامیر توسط نویسنده شکل گرفته است، به این صورت که فقط سه مزمور ناشناس در کتاب اول وجود دارد. یعنی، به آنها مزامیر یتیم می‌گویند زیرا عنوانی ندارند که بگویند مزمور داوود یا چیزی شبیه به آن.

به آنها یتیم می‌گویند. سه تا در آنجا هست، مزمور ۱، مزمور ۲ و مزمور ۳۳. چهار مزمور یتیم در کتاب دوم وجود دارد.

در کتاب سوم هیچ کدام وجود ندارد. و سپس در کتاب‌های چهارم و پنجم، ۴۲ مزامیر یتیم وجود دارد. و در کتاب چهارم ۱۴ تا و در کتاب پنجم ۲۸ تا است.

بنابراین، می‌بینیم که مزامیر دارای نویسنده در ابتدا هستند و مزامیر بدون نویسنده در اواخر کتاب رایج‌تر می‌شوند. یکی دیگر از جنبه‌های جالب چیدمان مزامیر این است که اگر به مزامیر شاد یا غمگین، مثلاً، یا دعاها و ستایش‌ها یا چیزی شبیه به آن پردازیم، متوجه می‌شویم که در سه کتاب اول، اکثر مزامیر، بیش از مورد از آنها، این دعاها را التماس هستند. خدا به داد ما برسد، ما در دردسر افتاده‌ایم ۵۰.

خدا ما را نجات می‌دهد. پروردگارا، لطفاً مرا از دشمنانم نجات بده. و فقط تعداد کمی، حدود ۲۰ نفر خوشحال هستند یا مزامیر ستایش، مانند مزمور ۲۹، را ستایش می‌کنند.

اما در دو کتاب آخر، می‌بینیم که ۴۰ مورد، یعنی دو سوم مزامیر، مزامیر شادی آور هستند. مزامیر ستایش و پرستش یا اعتماد به نفس و ستایش. و تنها حدود ۱۵ مورد از آنها مزامیر درخواست کمک از خدا هستند.

به طوری که در کل مزامیر، حرکتی از دعاها وجود دارد که از خداوند درخواست می‌کند شاعر را به سمت مزامیر ستایش برای کارهای خلقت خدا و نجات یا رستگاری یا پیروزی نجات دهد. و نکته جالب‌تر این است که همین حرکت از ناامیدی به اطمینان یا از دعا به ستایش تقریباً در تمام مزامیرهایی که دعا هستند، یافت می‌شود. به طوری که، برای مثال، مزمور ۱۸ با این جمله آغاز می‌شود: «دوست دارم، ای خداوند، ای قدرت من»، و ما در یک دقیقه به آن خواهیم پرداخت.

به سرعت ادامه می‌دهد و می‌گوید، ریسمان‌های مرگ مرا احاطه کرده بودند، سیلاب‌های بی‌دینی مرا وحشت‌زده کرده بود، ریسمان‌های شئول مرا احاطه کرده بودند، و مزمورنویس در مخمصه بدی گرفتار شده بود. اما در پایان مزمور می‌گوید، خداوند زنده است، متبارک باد صخره من، متعال باد خدای نجات من، خدایی که برای من انتقام می‌گیرد و مردم را مطیع من می‌کند. و در پایان مزمور، داوود کاملاً از این ناامیدی که در آیات چهار تا شش یا حتی بعداً وقتی که در مورد سگ‌هایی که مرا احاطه کرده‌اند و گاوهایی که مرا تهدید می‌کنند صحبت می‌کند، می‌یابیم، به اعتماد به خداوند و آنچه خداوند برای او انجام داده یا انجام خواهد داد یا انجام می‌دهد، تغییر جهت داده است.

بنابراین، ما در این مزامیر و در کل مزامیر، یک حرکت کاملاً مشخص داریم. البته، این به آن معنا نیست که هرگز هیچ استثنایی وجود ندارد.

خیلی هم منظم و دقیق نیست، اما مطمئناً به نظر می‌رسد که همه چیز خیلی خاص سازماندهی شده بود. من به برخی از نتایجی که می‌توانیم در مورد آن بگیریم برمی‌گردم. اما بگذارید سوال دیگری بپرسم.

چگونه از مزامیر در اسرائیل باستان استفاده می‌شد؟ در دوران کتاب مقدس چگونه عمل می‌کرد؟ آن را کتاب دعای اسرائیل خواهید شنید. آن را سرودنامه اسرائیل یا سرودنامه معبد یا کتاب دعای خیمه یا معبد یا چیزی شبیه به آن خواهید شنید. اما در واقع، اگرچه تعدادی از متون کتاب مقدس در مورد فریاد زدن یا آواز خواندن یا سرود خواندن مردم صحبت می‌کنند، و ضمناً، این فقط یک حاشیه است، این کلمه به عنوان سرود و آواز ترجمه شده است.

است یا song ترجمه شده‌اند، اما ما واقعاً نمی‌دانیم که منظورشان sing و song اسم و فعل به صورت به آن شکلی که ما در ذهن داریم. تقریباً مطمئنیم که صدایش شبیه موتزارت نبوده. ممکن است خیلی sing. بیشتر شبیه سرودهای گرگوریایی بوده باشد، یا ممکن است اصلاً شبیه چیزی شبیه به آن نبوده باشد.

شاید واقعاً لازم باشد به خاورمیانه برویم و به نواختن بوزوکی و سایر سازهایشان گوش دهیم و به سبک موسیقی آنها گوش دهیم. یا احتمالاً فکر می‌کنم این حتی کمی بعید است زیرا ما در مورد فاصله ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال صحبت می‌کنیم. ما واقعاً نمی‌دانیم که این اجرا چه صدایی داشته است.

وقتی به سازها، سنج‌ها، انواع مختلف شیپورها و بوق‌ها، بوق‌های فلزی و حیوانی و نوعی از سازهای زهی فکر می‌کنیم، و شاید برخی از نشانه‌هایی که نشان می‌دهد افرادی در حال آواز خواندن هستند، حداقل برخی از عناوین مزامیر به عنوان آواز خواندن در یک اکتاو، یعنی نوعی آواز خواندن هماهنگ، تفسیر می‌شوند. ما واقعاً نمی‌دانیم که آن آهنگ‌ها چگونه بوده‌اند. گاهی اوقات فکر می‌کنم اگر سعی کنیم، با خواندن کتاب مقدس، وارد دنیایی شویم که کتاب مقدس بخشی از آن بوده است، شاید بهتر باشد از کلمه‌ای مانند سرود استفاده کنیم، برای تفکر در مورد آن بسیار مفیدتر خواهد بود.

این ممکن است خیلی بیشتر باشد، احتمالاً هنوز هم گمراه‌کننده است، اما شاید به اندازه آواز خواندن گمراه‌کننده نباشد. بنابراین ما در چندین جای کتاب مقدس می‌خوانیم و درباره افرادی که این سازها را می‌نواختند و در ارتباط با معبد آواز می‌خواندند، می‌خوانیم. بنابراین، وقتی حنا سموئیل را می‌آورد و او را وقف می‌کند، او می‌ایستد و آهنگ را می‌خواند، همانطور که در اول سموئیل فصل ۲ می‌بینیم. یا وقتی صندوق عهد به اورشلیم آورده می‌شود، همانطور که در دوم سموئیل ۶ توضیح داده شده است، داوود در مقابل آن می‌پرد و می‌رقصد و نوازندگانی در حال نواختن هستند.

ما فرض می‌کنیم که اگر آنها در حال نواختن و رقصیدن هستند، شاید نوعی سرودخوانی هم در جریان باشد قطعاً در دوران نحمیا که به یاد دارید ۵۰۰ سال پس از داوود است، این اتفاق افتاده است. بنابراین، یک فاصله زمانی بزرگ وجود دارد.

اما در روزگار نحمیا، در مراسم تقدیس دیوار، دو گروه کر بلند می‌شوند و دور دیوار راه می‌روند، و در کنار آن سازهای داوود نوشته شده است. اینکه آیا آن سازها مانند استرادیواریوس صدها سال دوام آورده‌اند یا اینکه منظورشان فقط سازهایی است که توسط داوود طراحی شده‌اند یا چیزی شبیه به آن، باز هم یکی از آن سؤالاتی است که دانستن پاسخ آن خوب خواهد بود. اما دانستن دقیق آن برای ما کمی دشوار است.

ما یک متن در کتاب مقدس داریم که به طور خاص به ما می‌گوید که چگونه کتاب مزامیر یا چگونه برخی از مزامیر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این متن در اول تواریخ ۱۶ آمده است. اول تواریخ ۱۶ داستانی است که پس از دوم سموئیل ۶، آیه ۱۹ اتفاق می‌افتد.

بنابراین، آیه ۱۹ از باب ۶ باب دوم سموئیل، پایان ماجرای آوردن صندوق عهد به اورشلیم توسط داوود و قرار دادن آن در چادر است. و سپس داستان به نوعی به پایان می‌رسد، سپس ماجرای میکال را داریم که او را به خاطر رقصیدن مسخره کرد و میکال می‌گوید که دیگر با او مانند یک شوهر رفتار نخواهد کرد. و سپس داستان به پایان می‌رسد.

اما در اینجا، در اول تواریخ ۱۶، وقایع‌نگار بسیار بیشتر از نویسنده‌ی سموئیل به پرستش علاقه دارد. و بنابراین، او به جزئیات زیادی در مورد سه گروه کر و رهبران گروه کر و نوازندگان و اینکه چه کسی چه می‌نواخت، می‌پردازد و فصل به فصل، در واقع، با فهرستی از نام‌ها و اینکه چه کسی در گروه کر بود و پسر چه کسی و نوه چه کسی بودند، صحبت می‌کند. اما در میانه‌ی آن، در فصل ۱۶، از آیه ۸، سرودی داریم که داوود به آنها گفت بخوانند.

آیه ۷ می‌گوید، سپس در آن روز، داوود ابتدا آساف و خویشاوندانش را مأمور کرد تا از خداوند سپاسگزاری کنند. و سپس شعری آغاز می‌شود که تا آیه ۳۶ ادامه دارد. چنین آغاز می‌شود: ای خداوند، از او سپاسگزاری کنید، نام او را بخوانید، اعمال او را در میان قوم‌ها اعلام کنید.

و ممکن است فکر کنید، خب، این آشنا به نظر می‌رسد. باید آشنا به نظر برسد زیرا ۱۵ آیه بعدی، ۱۵ آیه اول مزمور ۱۰۵ هستند. آنها یکسان هستند.

و بعد وقتی به آیه ۲۳ می‌رسیم، و مزمور ۱۰۵ متوقف می‌شود، در واقع، او به انتهای مزمور ۱۰۵ نمی‌رود، بلکه تقریباً در وسط آن متوقف می‌شود. آیات بسیار دیگری برای ادامه وجود دارد. از آیه ۲۳ شروع می‌کند. او از مزمور ۹۶، آیات اول تا نیمه اول آیه ۱۳ نقل قول می‌کند.

دوباره، او کاملاً تا انتها پیش نمی‌رود. او فقط متوقف می‌شود. نمی‌دانم چرا آنجا متوقف می‌شود، اما او تا همین حد پیش می‌رود.

و بعد در آیه ۳۴، آیه ۳۴ اولین آیه از مزمور ۱۰۶ است. و آیه ۳۵ آخرین آیه است، دو آیه آخر مزمور حال، آیا این روش وقایع‌نگار برای گفتن این است که من قرار نیست همه چیز را بنویسم؟ ۱۰۶.

می‌تونی بری دنبالش بگردی. فقط بهت بگم که اونا بیت اول و آخر رو خوندن. قراره بفهمی که کل آهنگ رو خوندن.

یا واقعاً فقط آیات اول و آخر را خواندند؟ واقعاً نمی‌دانم. هرچند کمی جالب است، اما واقعاً نمی‌دانیم. و بعد آیه ۳۶ همان مزمور ۷۲، ۱۸ است.

بنابراین آنچه در کتاب تواریخ به عنوان یک شعر واحد ارائه شده است، در واقع، اگر این کلمه را ببخشید، تقلیدی است که از قطعاتی از گزیده‌های مختلف کتاب مزامیر ساخته شده است. و این تنها مدرکی است که ما از نحوه استفاده از خود مزامیر در عبادت اسرائیل داریم. و آنها همانطور که توسط داوود به آساف و برادرانش، که دو رهبر اصلی دیگر گروه کر لایوان در عبادتی بودند که در خیمه اورشلیم برگزار می‌شد، خوانده می‌شدند.

اکنون علاوه بر اشعار موجود در کتاب مزامیر، اشعار بسیار دیگری نیز در کتاب مقدس وجود دارد. به عنوان مثال، در پیدایش ۴۹، پیشگوی یعقوب در مورد پسرانش و نوادگانشان یا خروج ۱۵، سرود دریا پس از عبور آنها از دریا به همراه موسی را می‌یابیم. در اعداد ۲۲ تا ۲۴، چهار شعر مختلف دارید که پیشگوی‌های بلعام، پسر بعور، هستند.

تثنیه ۳۲ و ۳۳. و در واقع، این در کل کتاب مقدس امتداد دارد. بنابراین تقریباً یک سوم کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید با هم، شعر است که در دومین سخنرانی مشترکمان در مورد آن صحبت خواهم کرد.

اما همه اینها در رابطه با داستانی که در آن گنجانده شده‌اند، نوشته شده‌اند. بنابراین، دعای یعقوب برای پسرانش در پیدایش ۴۹ از مزامیر گرفته نشده است. سرودهای موسی درباره اسرائیل، تثنیه ۳۲ و ۳۳، از کتاب مزامیر گرفته نشده‌اند.

ظاهراً آنها برای آن مناسبت نوشته شده‌اند یا برای آن مناسبت سروده شده‌اند و بعداً نوشته شده‌اند. بنابراین، باید بگوییم که اگرچه در مطالعات کتاب مقدس و تفاسیر بسیار رایج است که بخوانیم این مزمور برای این منظور و با این نوع مراسم در معبد استفاده شده است، اما واقعاً نمی‌دانیم. شواهدی که در اینجا داریم قطعاً این است که از این مزامیر، مزامیر ۱۰۵، ۹۶ و ۱۰۶، و شاید ۷۲، به عنوان سرودهای جشن استفاده می‌شده است.

اما فراتر از آن، ما واقعاً نمی‌دانیم. گاهی اوقات می‌خوانید که مردم مثلاً در مورد مزامیر توبه صحبت می‌کنند. هفت مورد از آنها وجود دارد، مزمور ۶، مزمور ۳۲، مزمور ۳۸، مزمور ۵۱، مزمور ۱۰۲، مزمور ۱۳۰، مزمور ۱۴۳.

خب، ما واقعاً نمی‌دانیم. باز هم، اگر اینطور به نظر می‌رسد که می‌گوییم ما واقعاً نمی‌دانیم، متاسفم، اما این حقیقت محض است. مردم آنها را شناسایی می‌کنند و می‌گویند اینها مزامیر توبه هستند، اما هیچ‌کس حتی نمی‌داند چه کسی اولین بار این را در مورد آنها گفته است.

بعضی‌ها می‌گویند آگوستین اولین نفر بود. بعضی‌ها می‌گویند کاسیودوروس. بعضی‌ها می‌گویند نه، این یک سنت خاخی بود.

اما شواهد زیادی برای این موضوع وجود ندارد. بنابراین، وقتی آنها را می‌خوانیم، می‌توانیم بگوییم، اوه بله می‌توانم بفهمم که چرا به اینها مزامیر توبه می‌گویند. منظورم این است که مزامیر ۳۲ و ۵۱ مطمئناً مزامیر بسیار آشنایی پس از گناه داوود با بت‌شعب هستند.

اما اینکه آیا آنها به عنوان یک گروه در نظر گرفته می‌شدند یا نه، به سختی می‌توان فهمید. این زمانی بود که آنها برای اولین بار نوشته می‌شدند. اینطور نیست که کسی بگوید، من می‌خواهم یک مزمور توبه دیگر بنویسم یا جایی که یک مضمون بیش از یک بار ظاهر می‌شود، همانطور که در کل مزامیر می‌بینیم، مضامین همچنان که مزامیر را می‌خوانیم، در حال محو شدن و دوباره ظاهر شدن هستند.

ایده‌های مشابهی مدام مطرح می‌شوند. بعضی‌ها مزامیر ۱۲۰ تا ۱۳۴ را مزامیر زائران می‌نامند یا ترجمه‌شان در عنوان معمولاً سرود تأیید است. خب، قسمت مشکل این است که کلمه‌ای که «پذیرش» ترجمه شده، برای مراحل یک صفحه مدرج نیز استفاده می‌شود.

خب، نه یک خورشید، بلکه یک پله خورشیدی، به طوری که با طلوع خورشید در آسمان، سایه از پله‌ای به پله دیگر تغییر می‌کند. یادتان هست وقتی حزقیا بیمار بود و خداوند به او گفت که قرار است بمیرد و او دعا کرد و خداوند او را برگرداند و اشعیا را برگرداند و گفت، خداوند تو را شفا خواهد داد. چه نشانه‌ای می‌خواهی که او واقعاً قرار است این کار را انجام دهد؟ و حزقیا پرسید که خورشید شش پله به عقب برود.

خب، منظور او از چنین صفحه‌ای این است که وقتی خورشید در آسمان برمی‌گردد، سایه از صفحه بالا می‌رود. خب، شاید مزامیر ۱۲۰ تا ۱۳۴ واقعاً برای خواندن نوشته شده‌اند، برای خواندن یا سرودن یا استفاده در ساعات مختلف روز. بنابراین، ۱۵ تا از آنها وجود دارد و شما ۱۵ پله روی یک صفحه یا چیزی شبیه به آن دارید.

یا شاید به معنی پله باشد و بعضی‌ها فکر می‌کنند به این معنی است که وقتی روی اولین پله برای رفتن به معبد می‌نشستند، یکی را می‌خواندند و سپس پله بعدی را برای پله بعدی و ۱۲۲ را برای پله سوم و غیره. بنابراین، این یک پدیده بسیار جالب است که کسی ایده‌ای به ذهنش می‌رسد، اوه، این نحوه استفاده از اینها بوده و بعد ناگهان این به درک ما تبدیل می‌شود. اوه، این نحوه استفاده از آنها بوده و ما به سادگی از آنجا به بعد فرض می‌کنیم که اینگونه باید تفسیر شوند.

هیچ مدرکی علیه آن وجود ندارد، اما شواهد آن نیز نسبتاً متناقض است. و بنابراین، وقتی عباراتی مانند این مزامیر را می‌خوانیم که برای این منظور استفاده شده‌اند، واقعاً باید آن را با کمی تردید بپذیریم و به عقب برگردیم و متن مزمو را مطالعه کنیم و سپس حتی کتاب‌های تاریخی را نیز مطالعه کنیم تا ببینیم آیا واقعاً شواهد زیادی برای آن وجود دارد؟ و چگونه می‌توانیم از این موضوع مطمئن باشیم؟ اجازه دهید چند نتیجه‌گیری برای این مقدمه کوتاه ارائه دهم. یکی اینکه مزامیر به وضوح یک کتاب مرتب است.

مزامیر بر اساس نام نویسنده گروه‌بندی شده‌اند. برخی از مزامیر بر اساس عنوان گروه‌بندی شده‌اند. و همچنین مزامیرهایی وجود دارند که حتی بر اساس نام خدا که در آنها استفاده شده است، گروه‌بندی شده‌اند.

بنابراین در بخش اول مزامیر، مزامیر ۱ تا ۴۱ و سپس مزامیر ۸۴ تا ۱۵۰، نام یهوه بیشترین تکرار را دارد. نه تنها بیشتر اوقات از آن استفاده می‌شود، بلکه در هر مزامیر، یهوه رایج‌تر از کلمه الوهیم برای خدا است. و سپس در مزامیر ۴۲ تا ۸۳، کلمه خدا رایج‌ترین کلمه است.

ضمناً، وقتی می‌گوییم «خداوند» یا «یهوه»، این کلمه‌ای است که در کتاب مقدس انگلیسی شما با حروف ord و سپس با حرف کوچک L بزرگ ترجمه شده است. بنابراین، منظور «خداوند» با حرف بزرگ است که در واقع نام خداوند «یهوه» است. بنابراین، مزامیر نیز ORD با حرف بزرگ ORD و سپس L بلکه به همین شکل تنظیم شده است.

بخش یهوه و بخش الوهیم، کلمه استاندارد برای خدا در سراسر خاور نزدیک باستان و سپس بخش دیگری به نام یهوه. و مزامیر هلولیاه نیز وجود دارد. کلمه هلولیاه فقط تا مزمو ۱۰۴ وجود ندارد.

این عبارت در سه مزمو، ۱۰۴، ۱۰۵ و ۱۰۶ آمده است. سپس در مزموهای ۱۱۱ تا ۱۱۷ آمده است. و سپس در مزموهای ۱۴۶ تا ۱۵۰ نیامده است.

کاملاً واضح است که به نظر می‌رسد کسی تصمیم گرفته است که ما این مزامیر هلولیا را کنار هم بچینیم. و حتی جمله‌ای که در مورد پایان یافتن دعا‌های داوود پسر یسا می‌گوید، نشان می‌دهد که کسی این را جمع‌آوری و کنار هم گذاشته است. خب، این یعنی اینکه این کار تصادفی نیست.

بیایید کمی فکر کنیم، بیایید از یک تشبیه مدرن استفاده کنیم. وقتی یک شاعر امروزی، یا نویسنده‌ای که مثلاً مقاله یا داستان کوتاه می‌نویسد، تصمیم می‌گیرد مجموعه‌ای از اشعار یا داستان‌های کوتاه یا چیز دیگری را منتشر کند، باید تصمیم بگیرد که اشعار به چه ترتیبی مرتب شوند. آیا قرار است به ترتیب زمانی

مرتب شوند، که اگر قرار است یک پایان‌نامه بنویسید عالی خواهد بود، زیرا در این صورت می‌توانید رشد یک شاعر و نحوه تفکر او در مورد مضامین یا چیزها را مطالعه کنید.

آیا قرار است بر اساس موضوع گروه‌بندی شوند؟ آیا قرار است بر اساس حروف الفبا و کلمه اول گروه‌بندی شوند؟ آیا قرار است فقط بر اساس احساسی که شاعر در روز سرودن آن داشته، گروه‌بندی شوند؟ یا قرار است هر ۱۵۰ بیت را بردارند، به بالای پله‌ها بروند و آنها را پایین بیندازند و هر جا که فرود آمدند، همانجا در کتاب قرار دهند. افراد بسیار کمی آخرین مورد را انجام می‌دهند. اکثر مردم دلیلی برای سازماندهی کتاب ارائه می‌دهند.

همانطور که گفتم، گاهی اوقات به دلیل موضوع روز یا دلایل دیگری خواهد بود. اما هدفی در پس جایگاه واقعی این شعر در این نقطه از کتاب وجود خواهد داشت. بنابراین، این شعر پس از این و پیش از این می‌آید.

و آن یکی به نوبه خود پس از این یکی که به آن نگاه می‌کنیم می‌آید و مقدم بر بعدی است. و شاید حتی در کل کتاب شکلی وجود داشته باشد. دیده‌ایم که این در مورد مزامیر نیز صادق است.

و این یعنی درست همانطور که مثلاً وقتی مجموعه‌ای از آثار ای. ای. هاوسمن یا رابرت فراست را می‌خوانیم می‌خواهیم به اشعاری که فراست قبل و بعد از شعری که می‌خوانیم قرار داده نگاه کنیم. چون به دلیلی، او آنها را کنار هم قرار داده است. گاهی اوقات می‌توانیم دلیلش را تشخیص دهیم، گاهی اوقات نمی‌توانیم.

اما دلیلی وجود دارد. همین موضوع در مورد خواندن کتاب مزامیر نیز صادق است. فکر می‌کنم بیشتر ما عادت داریم مزامیر را به صورت ۱۵۰ شعر جداگانه بخوانیم.

و ما فقط آن را که می‌خواهیم یا برای روز به آن نیاز داریم یا بیشتر دوست داریم انتخاب می‌کنیم و آن را می‌خوانیم و سپس کتاب را می‌بندیم و به راه خودمان ادامه می‌دهیم. برای ما بسیار مفیدتر خواهد بود که یک مزمور خاص را بخوانیم. و سپس همانطور که در مورد آن فکر می‌کنیم، مزمور قبل و بعد از آن را نیز بخوانیم.

و فرض کنیم که در مقطعی، شاید تقریباً ۳۰۰۰ سال پیش، کسی گفته باشد، نه، مزمور ۳ قبل از مزمور ۴ خواهد آمد. و مزمور ۴ قبل از مزمور ۵ خواهد آمد، زیرا من می‌خواهم مزمور ۵ بعد از مزمور ۴ بیاید. من نمی‌خواهم مزمور ۶ آنجا باشد. من می‌خواهم مزمور ۵ در کنار آن باشد. و همانطور که قبلاً گفتم، گاهی اوقات می‌توانیم ببینیم که چرا آنها به این شکل مرتب شده‌اند.

بنابراین، برای مثال، تمام مزامیر یا بیشتر مزامیرهایی که درباره خداوند یهوه به عنوان پادشاه صحبت می‌کنند، بین مزمور ۹۱ و مزمور ۱۰۰ آمده‌اند. مزمور ۲۹ از این قاعده مستثنی است. و چند استثنای دیگر نیز وجود دارد، اما بخش عمده آنها در آن گروه کوچک از مزامیر آمده است.

خب، کسی گفت، بله، این یک موضوع است و ما می‌خواهیم اینها را بر اساس موضوع گروه‌بندی کنیم. و در واقع، اگر این کار را به زبان عبری انجام می‌دادیم، می‌دیدید که ارتباطات بسیار بیشتری وجود دارد. فقط این ایده نیست که خداوند پادشاه است، بلکه حدود ۱۲ مزمور وجود دارد که از نظر موضوعی بسیار بسیار محکم در انواع کلمات و ساختارها و چیزهایی که به دلیل کمبود وقت نمی‌توانیم به آنهاپردازیم، در هم تنیده شده‌اند، که نشان می‌دهد کسی برای کنار هم قرار دادن این موضوع فکر زیادی کرده است، که نشان می‌دهد ما باید در مورد نحوه خواندن آن نیز فکر زیادی کنیم.

و به جای اینکه آنها را به عنوان چیزهایی ببینیم که به سادگی گردآوری یا مونتاژ شده‌اند تا بتوانیم آنها را یکی، یکی بخوانیم، آن را به عنوان یک کتاب در نظر بگیریم و در واقع آن را به عنوان یک کتاب بخوانیم. بنابراین ما می‌پرسیم، این شعر چگونه به شعر قبل یا بعد از آن مربوط می‌شود؟ قبول دارم که گاهی اوقات دیدن آن بسیار دشوار است، اما گاهی اوقات بسیار واضح است. سوال دیگری که می‌خواهیم از خود پرسیم این است که با توجه به شکل کلی مزامیر، از این مزامیر که اساساً مزامیر دعا و درخواست کمک هستند تا مزامیر ستایش و شکرگزاری، این مزموری که می‌خوانم چگونه در آن شکل کلی قرار می‌گیرد؟ چه چیزی به آن شکل کمک می‌کند؟ آیا یکی از مزامیر درخواست است؟ آیا یکی از مزامیر ستایش است؟ آیا یک مزمور درخواست در میان انبوهی از مزامیر ستایش است؟ چرا آنها آن را آنجا قرار می‌دهند؟ چرا آنها یک نوع مزمور را با قرار دادن یک شعر واحد در آنجا قطع می‌کنند؟ اینها انواع سولاتی هستند که باعث می‌شوند با دقت بیشتری در مورد آنچه می‌خوانیم فکر کنیم، آن را در نظر بگیریم و در موردش تعمق کنیم.

و همانطور که در پایان خواهیم گفت، و در انتهای سخنرانی چهارم به این موضوع برمی‌گردم، شعر برای خواندن سریع ساخته نشده است. شعر قرار است ذهن ما را با تصاویر و ایده‌ها درگیر کند، به ما شیوهی متفاوتی برای نگاه کردن به جنبه‌ای از واقعیت بدهد و بر افکار ما تأثیر بگذارد. شاید محتوای گزاره‌ای واقعی شعر، یعنی جمله‌ی «خداوند پادشاه است»، برای مثال، واقعاً نکته‌ی اصلی نباشد.

شاید به جای آن، قرار باشد وقت خود را صرف فکر کردن به این کنیم که چگونه این شعر ایده پادشاه بودن خداوند را بررسی می‌کند. و این چگونه به من کمک می‌کند، شاید ذهنم را از روش‌های غیرمفید تفکر در مورد پادشاه بودن خداوند پاک کنم و آنها را با روش‌های کتاب مقدسی برای تأمل و تعمق در مورد آن جایگزین کنم. بنابراین خود اشعار نه تنها محتوای کلامی یا راهنمایی اخلاقی به ما می‌دهند، که به نظر من احتمالاً دلایلی است که اکثر ما بیشتر اوقات کتاب مقدس را می‌خوانیم. بلکه در عوض، آنها شروع به شکل دادن به تفکر ما می‌کنند.

پولس در مورد اینکه ذهن‌هایمان توسط کلام خدا شسته یا پاک شوند صحبت می‌کند. یا در رومیان ۱۲ در مورد اینکه ما اجازه نمی‌دهیم دنیا ما را در قالب خود قرار دهد، بلکه ذهن‌هایمان را تازه می‌کنیم، صحبت می‌کند. خب، چگونه این کار را انجام دهیم؟ خب، ما یاد می‌گیریم که متفاوت فکر کنیم.

ما یاد می‌گیریم که خودمان، جهان و نقشمان در آن و بنابراین خود خداوند را به شیوه‌ای متفاوت درک کنیم، من همچنین فکر می‌کنم که ما، با خواندن مزامیر، وقتی آن را به عنوان یک کتاب می‌خوانیم، به یاد می‌آوریم این به ما کمک می‌کند تا به یاد داشته باشیم که شکل چیزها، مثلاً جهان، شکل چیزها در نهایت، رستگاری بخش است. مزامیر، به ذات خود، به واسطه‌ی سازماندهی‌اش، به ما می‌گوید که هزاران سال پیش مؤمنان از قبل اینگونه فکر می‌کردند.

اینکه این اشعار کنار هم قرار گرفته‌اند تا به ما نشان دهند که مداخله خداوند به نمایندگی از قومش به چه معناست. همانطور که او به صورت فردی مداخله می‌کند، به صورت جمعی نیز در زندگی اسرائیل، در کار پادشاهی خود، در ساختن کلیسا مداخله می‌کند. شکل خود مزامیر نیز این را به ما یادآوری می‌کند.

فکر می‌کنم یک نکته‌ی ضمنی دیگر هم وجود دارد، و آن هم به چیزی که قبلاً در مورد انواع شعرها گفتم مربوط می‌شود. شعرهایی که خطاب به خدا هستند، که دعا هستند، و شعرهایی که اساساً درباره‌ی خدا هستند، یا مراقبه، تأمل یا دعوت به ستایش. کاملاً مناسب است که ما به روش‌های مختلف در مورد خدا و رابطه‌مان با او فکر کنیم.

حتی خود اشعار نیز این را به ما نشان می‌دهند، زیرا انواع مختلفی از آن وجود دارد. گاهی اوقات روش تفکر ما در مورد او در درجه اول از طریق صحبت کردن با اوست. در صحبت کردن با او، ما شروع به فکر کردن در

مورد این شخصی که با او صحبت می‌کنیم و رابطه‌مان با او می‌کنیم، که به ما کمک می‌کند تا شرایط خود را در پرتو شخصیت او ببینیم.

این کاری است که دعاها انجام می‌دهند. راه دیگری که ما پیدا می‌کنیم، یعنی روش‌های تفکر در مورد خدا، یا ما را ملزم می‌کند که به شیوه‌ای خاص به او پاسخ دهیم، با فراخواندن به ستایش یا پرستش یا تسلیم یا پرستش، یا با انتخاب جنبه‌ای کوچک از واقعیت، مانند اینکه خدا با ما ارتباط برقرار می‌کند. مزمور ۱۹ در این مورد چه می‌گوید؟ او از طریق هر آنچه که آفریده شده است با ما ارتباط برقرار می‌کند.

او از طریق کلامش با ما ارتباط برقرار می‌کند. بنابراین، خودِ مزمور ۱۹ ما را به فراتر از خودش هدایت می‌کند. این صرفاً تأملی بر کلام خدا نیست، بلکه تأملی بر ارتباط خدا با قومش است.

از آنجا که در مورد سخن گفتن خدا از طریق خلقت، بیان شکوه خدا توسط آسمان‌ها و غیره صحبت می‌کند، از ارتباط جهانی خدا با همه موجودات سخن می‌گوید. بنابراین متوجه می‌شویم که شاعر یک ایده اساسی را گرفته است، خدا ارتباط برقرار می‌کند، و اگر از این کلمه معذور باشید، با آن بازی کرده است. او گفت، این واقعاً به چه معناست؟ بیایید در مورد آن فکر کنیم.

من قصد ندارم مزمور ۱۹ را بخوانم. شما می‌توانید خودتان آن را بخوانید و فکر می‌کنم متوجه خواهید شد که این درست است. بنابراین مزامیر به ما نشان می‌دهند که چگونه دعا کنیم و چگونه فکر کنیم.

بنابراین، وقتی این کتاب را می‌خوانیم، آن را به عنوان کتابی می‌خوانیم که برای خیر ما نوشته شده است، به صورت شاعرانه از جانب خدا برای برکت ما.